

# راهی پر از بیم

مروری بر آثار غلامعلی مکتبی  
تصویرگر کودکان و نوجوانان

محمدعلی کشاورز

نقاشی و گرافیک، به خانوادهٔ "پیک" پیوسته و در آنجا برای کودکان و نوجوانان نقاشی کرد. پس از انقلاب نیز که مجلات پیک با نام مجلات رشد و در دفتر انتشارات کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش ادامه انتشار یافت، آقای مکتبی همچنان به خدمت خویش ادامه داد و بعدها نیز به تصویر سازی کتابهای کودکان و نوجوانان پرداخت، وی در مورد سبک و شیوهٔ کار خود می‌گوید:

«بعد از اینکه چندین شیوهٔ متفاوت تصویرگران ایرانی و غیرایرانی را تجربه کردم، با کار و تلاش زیاد سعی کردم به شیوه‌ای در نقاشی برسم که بیانی کودکانه داشته باشد. برای این منظور سعی کردم با توانایی‌های کودکان و نوجوانان و درک آنها از محسوسات و با فهمشان از ارزشها آشنا شوم. با کودکان همصحبت می‌شدم، نظر آنها را جدی می‌گرفتم و کوشش می‌کردم تا قابلیتها و میزان فهم آنها را بشناسم.

آقای مکتبی علاوه بر نقاشی برای کتابها و مجلات کودکان، در دانشکده‌های هنری نیز تصویرسازی و شناخت رنگ، تدریس می‌کند. ولی علاوه بر تعداد بیشماری تصویر که برای مجلات پیک و رشد نقاشی کرده، حدود بیست عنوان کتاب شعر و قصه برای کودکان و نوجوانان را به تصویر کشیده است. بنده با شناختی که از ایشان دارم، می‌توانم اذعان کنم که تصویرسازی وی برای مجلات در سالهای گذشته، از استحکام، ترکیب‌بندی، طراحی، خیال‌انگیزی و صفای بیشتری برخوردار بوده است. این امر در نقاشی‌های کتابهایی که ایشان تصویر کرده‌اند نیز

آقای مکتبی فرزند محمد کاظم، یکی از پیشکسوتان نقاشی مجلات و کتابهای کودک و نوجوانان ایران، در اردیبهشت ۱۳۱۳ در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان رسانده و برای ادامهٔ تحصیل به تهران آمد و از دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران با رتبهٔ عالی در رشتهٔ نقاشی فارغ‌التحصیل شد وی در خصوص تحصیلات هنری خود می‌گوید:

«اگر سالی را که کودک بودم و کاغذها را خط خطی و سیاه می‌کردم به حساب بیاورم، به اندازهٔ طول عمرم نقاشی کرده‌ام. از همان زمان طفولیت به طراحی و نقاشی علاقه‌مند بودم و هر چه بزرگتر می‌شدم، شوق و اشتیاقم برای هنر بیشتر می‌شد و همچنان ادامه پیدا کرد تا سرنوشت آینده‌ام با آن رقم خورد. در همان ایام، تجسم چهرهٔ اشخاص در حالات گوناگون و طراحی آنها و کپی برداری از روی تابلوهایی که به دستم می‌رسید، اوقات فراغت مرا به شیرینی پر می‌کرد. تشویق معلمان و اطرافیان نیز باعث می‌شد تا بیش از پیش سرگرم هنر باشم تا جایی که از درس اصلی خود غافل می‌شدم. سرانجام با اخذ دیپلم ریاضی به تهران آمدم و از دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز با گرفتن نمرهٔ ممتاز به عنوان دانشجوی رتبهٔ اول جهت ادامهٔ تحصیل به پاریس اعزام شدم. در مدت شش سال از تجارب اساتید آنجا بهره گرفتم و در بازگشت به تهران، مشغول کار نقاشی و گرافیک شدم.»

مکتبی پس از چند سال تجربهٔ کاری در زمینهٔ

آشکار است. کارهای گذشته ایشان در پی کنکاش، تلاش، صرف وقت و دقت نظر بیشتری فراهم شده که این ویژگی‌ها را در آثار متأخر ایشان نمی‌بینیم. قدرت و صلابت آثار گذشته آقای مکتبی که عموماً دارای رنگها و طرحهای محکم و دلپذیر هستند، اکنون به آثاری سردستی و پرشتاب و کم مطالعه تبدیل شده‌اند. نقاشی‌های قدیمی‌تر ایشان با حوصله و دقت بیشتر و اغلب نیز با استفاده از گویش انجام می‌شد که می‌دانیم مستلزم دقت و صرف وقت و حوصله است. آثار چند ساله اخیر وی با طراحی‌های خشنی همراه با رنگ‌آمیزی با آبرنگ، اکولین و یا گواش رقیق شده صورت می‌گیرد. رنگها نیز عموماً تند و در جاهایی حتی زنده‌اند. نمی‌دانم این روش شتاب‌آلود را ناشران عجول و علاقه‌مند به فروش سریع کتابهایشان بر او تحمیل کرده‌اند و یا خود، این وادی را که می‌تواند اثر را زودتر به مقصد برساند برگزیده و یا هر دو اتفاق روی داده و لطف و خیال انگیزی و رؤیاهای نقاشی ایشان را غالباً کم‌رنگ کرده‌اند. نگاه کنید به کتابهای پرفروش: «پس کی برف می‌بارد؟»، ۱۳۷۰، نشر افق، «خواب گمشده مادر بزرگ»، ۱۳۷۲، نشر رویش، «خاله عروسک من»، ۱۳۷۱، کتابهای بنفشه، «کوچه‌های آبی»، ۱۳۶۴، محراب قلم و یا کتاب «آسمان دریا شد»، ۱۳۷۰، کتابهای بنفشه و آنها را مقایسه کنید با کتابهای: «حسنی کلاس چنده، ۱۳۷۴، نشر پیدایش»، «حسنی یک جوجه داره، ۱۳۷۵، نشر پیدایش»، «حسنی تو شهر قصه، ۱۳۷۸، نشر پیدایش»، «وقتی عروسک خواهرم شد، ۱۳۷۶، نشر پیدایش» و یا کتاب «چهارده قصه»

آسمانی، ۱۳۷۶، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» تا تفاوت را به عینه ببینید.

### ویژگی‌های نقاشی‌های آقای مکتبی

○ در آثار آقای مکتبی کاربرد خط و سطح عمده‌ترین نقش را بر عهده دارد. به بیانی در همه آثار ایشان خط و سطح به شکل بارزی خودنمایی می‌کند. البته در آثار قدیمی‌تر وی که گویا از حوصله بیشتری برخوردار بوده، سایه روشن (نور) نیز رکن مهمی از کار را تشکیل می‌داده که به مرور از دست رفته است.

طراحی‌های آقای مکتبی بسیار قوی و استادانه است، اطمینان و یقین در اغلب خطوط ایشان به چشم می‌خورد. البته در کارهای گذشته ایشان خطوط طراحی، با نرمی، ملایمت، ظرافت و حساب و کتاب بیشتری مورد استفاده قرار می‌گرفت.

○ سطوح به کار گرفته شده توسط مکتبی، دارای رنگهای نسبتاً نرم و سبک بودند که در آثار اخیرشان آن لطافت‌های رنگی و رنگهای خیال‌انگیز کمتر به چشم می‌خورد. اگر چه شناخت وی از خط و سطح و رنگ بسیار قوی است و آثار ایشان عمده‌تاً از پختگی و تجربه سالهای دراز پشت سرشان حکایت دارد، اما تعجیل در انجام نقاشی‌ها آفتی شده است برای آثار او.

○ ترکیب‌بندی‌های نقاشی‌های آقای مکتبی عموماً دارای چارچوب حساب شده و قوی هستند. فضاهای پیش‌بینی شده برای متن، سفید خوانی‌های مورد نیاز، به جا و قابل قبول بوده و ویژگی دیگری که در کارهایشان مشاهده

● قدرت و صلابت آثار گذشته آقای مکتبی که عموماً دارای رنگها و طرحهای محکم و دلپذیر هستند، اکنون به آثاری سردستی و پرشتاب و کم مطالعه تبدیل شده‌اند.



○ نکته دیگری که در آثار آقای مکتبی خودنمایی می‌کند، سادگی شکلهاست. شکلها گاهی به قدری ساده می‌شوند که امکان هیچ‌گونه پرواز خیالپردازانه‌ای برای مخاطب فراهم نمی‌شود. بویژه این‌که شکلها با رنگهای تند و کاملاً دم‌دستی و به شیوهٔ کودکان طراحی و رنگ‌آمیزی می‌شوند.

○ در طراحی، رنگ‌گذاری و ترکیب‌بندی‌های نقاشی‌های آقای مکتبی در قیاس با آثار گذشته ایشان تغییر کیفی خاصی دیده نمی‌شود. حتی گاهی کیفیتها نازلتر هم شده‌اند که این آفت ماندگاری آنها را دچار تزلزل خواهد کرد.

با توانایی‌هایی که از آقای مکتبی سراغ داریم، وضعیت کنونی ایشان را می‌توان نوعی رکود قلمداد کرد که متأسفانه قلم خیلی‌ها را گرفته است.

### هویت

آقای مکتبی نیز همچون اغلب تصویرگران کتاب کودک و نوجوان، تحت تأثیر محیط اجتماعی، فرهنگی و هنری زمان خود قرار دارد. آنچه که به عنوان هویت می‌توان در آثارشان دید، همان کاربرد معمول و مرسوم شکلی هویت است. به عنوان مثال، نقش گلیم، نقشهای سنتی گل و بوته، تزیینات لباس و روسری که بر سر دخترکان نقاشی شدهٔ ایشان است، مصادیق ظاهری هویت ایرانی است. اما هویت اصلی و ذاتی یک قوم و یک ملت که عبارت است از آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی و دینی و فرهنگی، در آثار ایشان به ندرت یافت می‌شود. البته این نقص در آثار اغلب

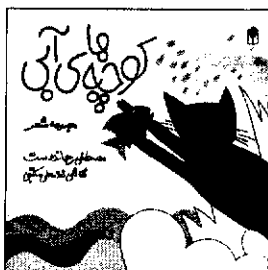
می‌شود. درشت‌نمایی و دیدن از نزدیک است. در تحلیل این ویژگی می‌توان گفت که اولاً بیش از حد تحت تأثیر تصویرسازی‌های غربی بوده و ثانیاً از فضاسازی‌های ظریف و کوچک و پرداختن به عناصر ساختاری ریز و پراکنده به هر دلیل پرهیز می‌کنند. به همین دلیل، آثار اخیر وی فاقد خیال‌انگیزی و قدرت جذب آثار قبلی اوست، هر چند که شاید تصویرسازان، گرافیسیتها و یا بزرگسالان از کار او لذت ببرند.

○ کودکان و نوجوانان توقع دارند علاوه بر اینکه نقاشی کتاب یا مجله، ترجمه‌ای رسا از متن باشد، اطلاعات دیگری را نیز پیش روی آنها قرار دهد (به بیانی دیگر وظیفه هنرمند است که بر اطلاعات تصویری مخاطب بیفزاید) حال آنکه آثار آقای مکتبی بعضاً فاقد این گونه ویژگی‌هاست.

او اگر چه گاهی نماد یا تصویری بر متن می‌افزاید، ولی معمولاً موارد مهم دیگری را حذف می‌کند که کار را ناقص می‌کند (این امر با خواندن اشعار و متن‌هایی که ایشان تصویر کرده‌اند و مقایسهٔ آنها با نقاشی‌ها به اثبات می‌رسد).

اعتقاد شخصی مکتبی این است که تصویرگر بایستی خیالات کودک را پرواز دهد، دست او را گرفته و در عالم نقاشی به سیر و سیاحت ببرد و اندیشه و قریحهٔ کودک را فعال کند. اما در آثار اخیر ایشان کمتر به این وجوه برمی‌خوریم. اگر مواردی در گوشه و کنار نقاشی‌های ایشان به چشم می‌خورد، بیشتر ارضای علایق و خواسته‌های نقاش است تا توجه به رؤیایها و خواسته‌های کودک و نوجوان.

● در آثار آقای مکتبی کاربرد خط و سطح عمده‌ترین نقش را بر عهده دارد. به بیانی در همهٔ آثار ایشان خط و سطح به شکل بارزی خودنمایی می‌کند.





## ● سطوح به کارگرفته شده توسط مکتبی، دارای رنگهای نسبتاً نرم و سبک بوده است که در آثار اخیرشان آن لطافت‌های رنگی و رنگهای خیال‌انگیز کمتر به چشم می‌خورد.

شخصی هستم، یعنی آنچه از من سر می‌زند و ظواهر من، هویت مرا می‌سازد. هیچ ارتباطی بین بنده و سنت نیست و در واقع نه سنتی باقی مانده و نه هویتی. من هر چه هستم، خودم هستم و چون ایرانی هستم، ایرانی بودن بایستی در کارهای من مشخص باشد.»

بعضی از نقاشی‌های ایشان با استفاده از شیوه و تکنیک (در طراحی، رنگ‌آمیزی و ترکیب‌بندی) آثار هنرمندان غربی کار شده است. مکتبی با مهارتی که در طراحی و شناخت رنگ دارد، گاهی شیوه کار خویش را چنان بر شیوه اثر غربی مسلط می‌کند که رگه‌های کم‌رنگ و بی‌جان از آن در کارش باقی می‌ماند. اما در پاره‌ای موارد اگر بعضی از عناصر شکلی و ظاهری را از نقاشی‌های او بزدایید، در لایه زیرین آنها جز شیوه‌های فرنگی و غربی باقی نمی‌ماند و به سختی می‌توان دریافت که این اثر را یک نقاش ایرانی خلق کرده است. البته خود او به پیروی از سبک غربی‌ها اذعان دارد. چرا که شش سال در فرانسه تحت تأثیر مستقیم آنها بوده و هم اکنون نیز گاه و بیگاه از تصویرهای کتابهای غربی الهام می‌گیرد. در عین حال، او با اعتقادی که به غربی‌ها دارد و آنها را از ما جلوتر می‌داند (در تکنیک و فن)، سعی در تقلید از آنها نیز

تصویرگران و هنرمندان ما دیده می‌شود (شاید هم غیر از این نمی‌تواند باشد). بخشی از دلایل وجود این نقص عبارتند: ترکیب شدن شکل زندگی سنتی و اشکال زندگی وارداتی، کم‌رنگ شدن و یا مستحیل شدن فرهنگ خودی در فرهنگ‌های بیگانه، غلبه زندگی ماشینی ولو ناقص بر زندگی‌های سنتی، دور شدن از فرهنگ، آداب و رسوم که تحت تأثیر دین و دیانت شکل گرفته است، ورود فرهنگ‌های دیگر از طریق معماری، پوشاک و رسانه‌های تصویری، خود فراموشی و دیگر باوری و تقلیدهای اغلب کور و بی‌تحلیل از مظاهر فرهنگ و تمدن غرب که به شدت در زندگی روزمره مردم به چشم می‌خورد و هر هنرمندی هم طبعاً تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرد؛ هر چند که از هنرمندان توقع می‌رود با جریان‌های فرهنگی بیگانه هوشیارانه‌تر برخورد کرده و سره را از ناسره تفکیک کنند و بیش از اینها خود را باور داشته باشند، اما... آقای مکتبی در خصوص هویت می‌گوید:

«هویت ما آن نیست که پیشینیان انجام داده‌اند، هویت ما وضع موجود ماست. من در حال زندگی می‌کنم و شرایط کنونی نیز هویت مرا می‌سازد. به عبارت دیگر من معتقد به هویت

## ● اگر مواردی در گوشه و کنار نقاشی‌های ایشان به چشم می‌خورد، بیشتر ارضای علایق و خواسته‌های نقاش است تا توجه به رویاها و خواسته‌های کودک و نوجوان.



می‌گیرد و اغلب، عجله حاکم بر کار است. ولی برای تصویرسازی کتاب غالباً فرصتها مناسب است و تصویرگر امکان جستجو و پیدا کردن گمشده‌های تصویری مورد نیاز خود را دارد.»

آقای مکتبی این نکته را در آثارشان (خصوصاً آثار قدیمی‌تر) به اثبات رسانده و رد پای تلاش و جستجو برای بیانی نو و درعین حال کودکانه در تصویرسازی‌هایشان دیده می‌شود، چون نقاشی‌های اخیر او پرشتاب کار شده و در پاره‌ای موارد احساس می‌شود نوعی رجزنی در کار بوده. نگاه کنید به کتابهای: (حسنى چقدر شیطونکه، ۱۳۷۸، نشر برف)، (حسنى کلاس چنده)، (حسنى يك جوجه داره)، (حسنى يکى يکى دونه است)، (خاله سوسکه و آقاموشه، ۱۳۷۶)، کتابهای بنفشه)، (خاله سوسکه و وروجک، ۱۳۷۷

داشته است. رد پای شیوه تصویرسازی غربی را در به کارگیری ترکیب‌بندی‌های استوار، اما خشن، بزرگ‌نمایی چهره‌ها و عناصر اصلی، به کارگیری رنگهای تند و خالص در آثار وی می‌توان مشاهده کرد.

### نقد آثار

تصویرهای آقای مکتبی، عمدتاً با شیوه‌های گواش، قطاعی (کلاژ)، آبرنگ و اکولین (جوهر رنگی) و اسکراچ بُرد (خراشنگاری)<sup>(۱)</sup> و گاهی ترکیبی از آنها خلق می‌شوند. او در به کارگیری همه این موارد، مهارت دارد و بنده کمتر کسی را سراغ دارم که مجموعه این مهارتها را در خود جمع کرده باشد. آثار مکتبی عموماً دارای طراحی قوی، رنگ‌گذاری قدرتمند و ترکیب‌بندی‌های مستحکم

## ● ترکیب‌بندی‌های نقاشی‌های آقای مکتبی، عموماً دارای چارچوب حساب شده و قوی هستند. فضاهای پیش بینی شده برای متن، سفید خوانی‌های مورد نیاز، به جا و قابل قبول بوده و ویژگی دیگری که در کارهایشان مشاهده می‌شود، درشت‌نمایی و دیدن از نزدیک است.

کتابهای بنفشه) که در این هفت عنوان (ضمن مشاهده یک رقابت پنهان بین ناشرانشان در چاپ این‌گونه آثار، آن‌هم فقط با نقاشی‌های آقای مکتبی!) همگی دارای یک نوع طراحی، رنگ‌آمیزی و ترکیب‌بندی هستند (با اندکی تفاوت). شاید بتوان کتاب (چهارده قصه آسمانی، ۱۳۷۶، کانون پرورش

هستند. وی از توانایی تصویرسازی برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان برخوردار است، رنگ را می‌شناسد، بسیار خوب طراحی می‌کند و از عهده انجام اکثر کارهای محوله برمی‌آید. روش وی در نقاشی مجلات، بیشتر به کارگیری گواش و یا آبرنگ و اکولین بوده و در نقاشی کتابها از این دو شیوه و نیز شیوه‌های کلاژ و اسکراچ بُرد نیز بهره می‌گیرد، شاید به این دلیل که زمان برای نقاشی در مجلات بسیار محدود بوده و فرصت نقاشی برای کتاب افزونتر است. آقای مکتبی معتقد است که:

۱. طراحی خراشیدنی یا خراشنگاری: نوعی طراحی که در آن، ورقه مقوا یا کاغذ ضخیم را با اندود سیلیکات آلومینیوم یا چسب‌گچی می‌پوشانند، سپس با استفاده از مرکب طراحی و ابزار مخصوص خراش، طرح موردنظر را به وجود می‌آورند. روی کاغذهای گلاسه را نیز می‌توان با مرکب سیاه کرد و آن را خراشید (فرهنگ اصطلاحات هنرهای تجسمی، محسن کرامتی، نشر چکامه).

«بین نقاشی کردن برای مجله تا تصویرسازی برای کتاب، تفاوت وجود دارد. آماده‌سازی مجلات عموماً در فرصتهای کم و محدود صورت



وقتی عروسک، تو اهرم...

فکری کودکان و نوجوانان) را نیز کمابیش همسنگ همین کتابها قلمداد کرد. تعجیل و شتاب حاکم بر نقاشی این کتابها، باعث شده است که در جاهایی سهو و خطای آشکار دیده شود. در کتاب حسنی چقدر شیطونکه و در شعر حسنی و مار و پونه آقای مکتبی پونه را که گیاهی سبز رنگ است، به صورت گلی قرمز نقاشی کرده‌اند (البته شعرها نیز در جای جای خود سهو و خطا و تنگنای ردیف و قافیه دارند که بنده متعرض آنها نمی‌شوم و نقدشان را به منتقدان محترم و توانای شعر وامی‌گذارم). در کتابهای (حسنی تو شهر قصه و حسنی و بزقندی) بُز آقای مکتبی بیشتر شبیه گوسفند شده تا بُز، در کتاب چهارده قصه آسمانی که طراحی عنوان آن نیز هماهنگی با محتوای کتاب ندارد، شیوه نقاشی آقای مکتبی با موضوع کتاب متناسب نیست، قصه‌ها (اگر چه اولاً قصه نیستند و ثانیاً پرداخت قوی و منسجمی ندارند) از مضامین لطیف، روحانی، انسانی و الهی برخوردار هستند و نقاشی‌ها که بعضاً دورتر از جای خود

تصویرسازی‌شان وجود دارد (حداقل فعلاً که نقاشان ما اکثراً در بیان تصویری آنها مشکل دارند) با شیوه تذهیب و تشعیر نو و در خور کودکان و نوجوانان (شبیه نقاشی‌های آقای علی‌اکبر صادقی در چند کتابی که برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تصویر کرده‌اند)<sup>(۱)</sup> ارائه شود. قطعاً این روش در شرایط کنونی، هم مقدور است، هم احترام به این‌گونه روایات و احادیث محفوظ می‌ماند، هم تصاویری عجیب و غریب و غیرمنطقی از مردان و زنان اسلام در ذهن پاک کودکان و نوجوانان باقی نمی‌گذارد و هم اینکه حضور نقوش اسلامی و یا تذهیب و تشعیر که در مساجد و زیارتگاه‌ها و قرآن‌ها در محیط زندگی کودکان و نوجوانان باعث آشنایی نسبی اینان با آنها می‌شود و الفت بیشتری با این‌گونه آثار پیدا کنند.

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره کردم، آقای مکتبی تعدادی از کتابهای کودکان و نوجوانان را به شیوه اسکراچ بُرد نقاشی کرده است که عموماً دارای

- طراحی‌های آقای مکتبی بسیار قوی و استادانه است، اطمینان و یقین در اغلب خطوط ایشان به چشم می‌خورد.
- شکلها گاهی به قدری ساده می‌شوند که امکان هیچ‌گونه پرواز خیالپردازانه‌ای برای مخاطب فراهم نمی‌شود.

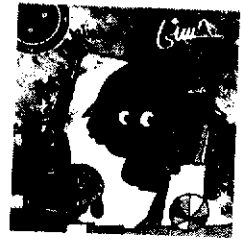


طرحهای قوی و تقسیم‌بندی‌های مناسب با فضاهای سواد و بیاض (سفید و سیاه) حساب شده هستند. در بعضی از کتابها از رنگ دوم و سوم نیز بهره گرفته که هم بیانی جدید به تصویر داده‌اند و هم باعث تنوع شده‌اند. ایرادی که بر بعضی از آنها وارد است، عدم تناسب سنی بین نقاشی‌ها و

متن مربوطه قرار دارند، نسبتاً خشن و سخت تصویر شده‌اند. خطوط درشت، رنگهای سنگین، خشن و تند و چهره‌های درشت زشت، جاذبه‌ای برای مخاطب باقی نمی‌گذارد. تصاویر موجود عمدتاً ترجمه سطحی و ظاهری قسمتهای نه چندان مهم متن هستند که هیچ‌گونه آموزشی را در پی ندارند، و به خیالپردازی‌های کودکان و نوجوانان کمک شایسته نمی‌کنند. شاید بهتر باشد که این‌گونه مضامین والا و الهی که کمتر امکان

۱. فرزند زمان خویشتن باش، حقیقت بلندتر از آسمان، عبادتی چون تفکر نیست و آنها زنده‌اند (این کتابها همگی قبل از انقلاب چاپ شده‌اند).

● مکتبی با مهارتی که در طراحی و شناخت رنگ دارد، گاهی شیوه کار خویش را چنان بر شیوه اثر غربی مسلط می‌کند که رگه‌هایی کمرنگ و بی‌جان از آن در کارش باقی می‌ماند، اما در پاره‌ای موارد اگر بعضی از عناصر شکلی و ظاهری را از نقاشی‌های او بزدایید، در لایه زیر آنها جز شیوه‌های فرنگی و غربی باقی نمی‌ماند



سوسکه و وروجک، ۱۳۷۷، کتابهای بنفشه). اکثر نقاشی‌های کتابهای هفت یا هشت ساله اخیر آقای مکتبی، مجله‌ای هستند (شاید بیش از حد تحت تأثیر بازار و ویتترین و نمایشگاه‌های کتاب قرار گرفته‌اند که یقیناً ناشران نیز در این امر مؤثر بوده‌اند).

در مجموع، آقای مکتبی تصویرگری پر کار و توانا هستند. ایرادهای وارده بر بعضی از آثارشان مانع از قدردانی و تجلیل از نقاشی‌های بسیار خوب و فراوان ایشان در مجلات و کتابها نیست. آرزومندیم که همچنان توانا و آگاه، کودکان و نوجوانان ما را از هنر خویش بهره‌مند سازند. ایشان در پاسخ سؤال بنده که پرسیدم برای دیگران (هنرمندان جوان و علاقه‌مند به تصویرگری) چه توصیه‌ای دارید؟ این بیت حافظ را قرائت کردند که نقل می‌کنم:

گر چه راهی است پر از بیم ز ما تا بر دوست  
رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی

۱. این کتاب و چند کتاب دیگری که برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورش فکری در آبان ۱۳۷۷ هستند، در پژوهشنامه شماره ۱۶ نقد شده‌اند.

مخاطبان آنهاست. نقاشی‌ها کمی بزرگسالانه می‌نمایند و شاید بیشتر مورد پسند طراحان و گرافیسرها باشند تا کودکان و نوجوانان. به عنوان مثال، نگاه کنید به نقاشی‌های کتاب (پونه‌ها و پروانه‌ها، ۱۳۶۹، سروش) و یا کتاب (زخم زبان، ۱۳۷۰، سروش) و همین‌گونه است کتاب (مرزبان‌نامه، ۱۳۷۷، نشر پیدایش) که اغلب نقاشی‌های این کتابها دارای روحیه‌ای حماسی هستند و به کار شعر و قصه و حکایات اجتماعی و پند و اندرز نمی‌خورند. به بیانی دیگر می‌توان گفت که آقای مکتبی در اکثر این کارها بیشتر پاسخگوی نیازها و علایق خود بوده تا وفاداری به متن و نیاز مخاطبان.

نکته دیگر در آثار متأخر آقای مکتبی، تکراری بودن شکلها و رنگها و پرهیز وی از جستجو و کنجکاوئی و تحقیق و تتبع در زمان و مکان متن است. احتمالاً ایشان با اتکا به پیشینه طولانی خود، از مطالعه و تحقیق بیشتر برای خلق آثارشان ابا دارند و یا بیش از حد به آن پیشینه متکی هستند و خود را از تحقیق و تتبع بی‌نیاز می‌بینند. نگاه کنید به نقاشی‌های کتاب (کوچه‌های آبی، ۱۳۶۹، محراب قلم) و آن را مقایسه کنید با نقاشی‌های کتاب (خاله